

غصب موقوفه اوراق بهادار

فاطمه خشتامن^۱

فاطمه علیمردی^۲

زهرا فتاحیان چله^۳

چکیده

دین مبین اسلام با ارائه دستورات و برنامه‌هایی مصالح دنیوی و اخروی را در کنار هم قرار داده است. از جمله برنامه‌های اسلام سنت حسنه وقف است که ترویج آن منجر به پر کردن خلأها و برطرف کردن نیازهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی و از سوی دیگر مانع بروز بسیاری از آلام و مصائب و رواج مفاسد اخلاقی می‌شود. لذا جهت نیل به این هدف و همچنین جلوگیری از استفاده نابجا، موقوفات نیازمند حفظ و نگهداری می‌باشند. و از سویی هرگونه تصرف و دستبرد به این اموال حکم غصب را پیدا می‌کند و با توجه به حرمت غصب، غاصب موظف است که علاوه بر اینکه مال موقوفه را برگرداند نسبت به منافع آن نیز ضامن خواهد بود. با توجه به وقف‌های جدیدی که در دوره‌های اخیر صورت پذیرفته است بررسی حکم آن‌ها لازم و ضروری می‌باشد. یکی از وقف‌های جدید، وقف اوراق بهادار است. در متون اسلامی وقف پول بیشتر به عنوان «وقف درهم و دینار» مطرح بوده است. که پول‌های رایج امروزی و اوراق بهادار را نیز شامل می‌شود. لذا با بررسی حکم این نوع وقف و غصب آن حکم وقف اوراق بهادار نیز روشن می‌گردد.

کلید واژگان: وقف، موقوفات، غصب، مغضوب، غاصب، ضمان، اوراق بهادار.

^۱ . طلبه سطح ۳، کرمانشاه، گیلانغرب، مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله علیها).

^۲ . طلبه سطح ۲، کرمانشاه، گیلانغرب، مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله علیها).

^۳ . طلبه سطح ۲، کرمانشاه، گیلانغرب، مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله علیها).

مقدمه

یکی از نهادهای حقوقی و اقتصادی مهم اسلام وقف می‌باشد که با توجه به مقتضیات زمان و مکان، شرایط و اوضاع و احوال روز باید در تعاریف و مصادیق آن بازنگری لازم صورت گیرد که بدین وسیله بتوان پیرامون مسائل مستحدثه‌ای همچون وقف پول و اوراق بهادار نظیر سهام شرکت‌ها و... راه درستی ارائه نمود. لذا این بخش از پژوهش بنا دارد به وقف موضوعاتی نظیر پول و اوراق بهادار همچون سهام شرکت‌ها بپردازد. و در ادامه احکام مربوط به غصب این گونه موقوفات مورد بررسی قرار گیرد.

گفتار اول: وقف اوراق بهادار

در متون اسلامی وقف پول بیشتر به عنوان «وقف درهم و دینار» بوده، زیرا پول در دوره‌های اولیه اسلامی منحصر در همین دو بوده‌اند.

در خصوص صحت وقف نقود (درهم و دینار)، که البته پول‌های رایج امروزی و اوراق بهادار را نیز شامل می‌شود، بین فقهای شیعه اختلاف است؛ محقق حلی (ره) در شرایع می‌گوید: بعضی از فقیهان گفته‌اند چنین وقفی صحیح نیست و خود مرحوم محقق نیز اظهار نظر می‌کند که اظهر، عدم صحت آن است. شیخ محمدحسن نجفی (ره) صاحب «جواهرالکلام» نیز به دنبال ایشان می‌گوید: محقق حلی هماهنگ با فتاوی جمعی از فقهای قدیم به عدم صحت فتوا داده است و حتی شهید اول در کتاب «مبسوط» بر عدم صحت وقف درهم و دینار ادعای اجماع کرده است.^۱

دلیل این دسته از فقها این است که درهم و دینار (نقود) از جمله مواردی است که انتفاع از موقوفه موجب زوال و از بین رفتن آن می‌شود و لذا وقف آن صحیح نیست.

^۱. نجم الدین جعفر بن حسن حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، کتاب وقف، تهران: مکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ه ق، ص ۲۱۳.

گروهی دیگر از فقهای شیعه بر این عقیده‌اند که وقف درهم و دینار صحیح است، زیرا می‌توان بر آن نفعی را در نظر گرفت و درعین حال که مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، اصل آن نیز باقی بماند. ابن ادریس و شهید دوم در «مسالک» و شهید اول در کتاب «دروس» و علامه در «تذکره الفقهاء» و سرانجام، محقق ثانی در «جامع المقاصد» قائل به صحت وقف نقود (درهم و دینار) شده‌اند؛ مشروط بر اینکه دارای منفعتی با بقای اصل باشد.

بنابراین، اشکال وارده بر وقف پول، چنانکه اشاره شد، که از بین رفتن پول بعد از منتفع شدن از آن.

در پاسخ به این اشکال باید اظهار کرد که باقی بودن هر چیز به فراخور خود آن چیز است و پول در گردش نیز به‌طور کلی، و نه به‌صورت جزئی و شخصی، در جریان است و دور می‌زند. بنابراین، چه اشکالی دارد چنانچه فردی با نیت خیرخواهانه مبالغ قابل توجهی را برای نیازمندان وقف کند و در بانکی نگهداری شود و یا صندوق وقفی ایجاد شود تا هر نیازمندی با مراجعه به آن برای رفع حاجت خود از آن استفاده کند و در سررسید از پیش تعیین شده مثل آن را به بانک یا صندوق وقف پرداخت کند (ملاحظه شد که به این وسیله اصل مال مسترد می‌شود). این گونه وقف را عرف عقلا نیز می‌پذیرد؛ زیرا بسیار مفید و ارزنده و درعین حال برای همیشه باقی است و هیچ حلال و حرامی نیز پیش نمی‌آید.^۱

الف: اوراق بهادار

در عصر ما اوراق بهادار که اطلاق خرید و فروش بر آن می‌کنند بسیار است مانند اسکناس و چک و سفته و تمبر پست و اسناد خزانه و بلیط سفر و حواله اجناس و اجازه کار و غیر آن و بسیاری از آن‌ها حکایت از منفعت یا حقی می‌کند مانند تمبر و بلیط سفر و بعضی حکایت از مقداری طلا یا نقره می‌کند به واسطه یا بی واسطه مانند چک و اسکناس و بعضی اوراق

۱. - علیرضا فیض، مصلحت وقف و پاره‌ای از شرط‌های آن، نشریه میراث جاویدان، شماره ۸، ۱۳۷۴، ص ۱۰۶.

خود مقصود به معامله است نه به اعتبار حکایت مانند تمبر باطله تاریخی که به خود صورت و نقش و تاریخ آن رغبت دارند و به اضعاف قیمت نوشته روی آن می‌خرند. بعضی کشورها پول خود را طلا یا نقره قرار داده‌اند و اسکناسشان حکایت از مقداری از آن می‌کند که دین است بر ذمه بانکی که آن را امضا کرده و انتشار داده و بعضی دیگر پول خود را متفرع بر آن پول اول کرده‌اند و در زمان ائمه علیهم‌السلام اسکناس متداول نبود اما صک یعنی چک معمول بود (سند ذمه) و آن را می‌خریدند و می‌فروختند و روایاتی در آن باب وارد است همچنین قبالة یعنی سند واگذاری املاک دولتی و برات و حواله خراج و امثال آن را معامله می‌کردند و شرح آن را در حاشیه وافی نوشته‌ایم و حکم ربا در معامله این اوراق تابع مالی است که اوراق از آن حکایت می‌کند مثلاً بلیط سفر را که حکایت از استحقاق منافع مرکوب است در مدت معین می‌توان به بیشتر یا کمتر فروخت اما چک که حکایت از مقداری طلا یا نقره می‌کند نمی‌توان به زیادتی خرید و فروش کرد. و حکم صرف و تقابض در مجلس نیز تابع همان حکایت است. اگر ورقه را به اعتبار نقش و تاریخ می‌خرند مانند تمبرهای باطله صرافی نیست و آن که حکایت از منافع و اموال غیر طلا و نقره کند مانند بلیط و تمبر پست رایج و جوازهای دیگر نیز تقابض شرط نیست و اسکناس که حکایت از طلا و نقره می‌کند نیز معامله‌اش صحیح است زیرا که تقابض به عمل آمده چون بانک یا شرکتی که ناشر اسکناس است به منزله وکیل دارندگان اوراق است مانند کسی که به صراف گوید دراهمی که از تو طلبکارم به قیمت مبدل به طلا کن و به نام من سکه طلا بنویس و در روایت صحت آن وارد شده است. مالی که اسکناس حکایت از آن می‌کند ذخیره یا به اصطلاح امروز پشتوانه نیست زیرا که مدلول اسکناس مقدار کلی ثابت در ذمه است مانند دیون دیگر و پشتوانه برای اعتبار مدیون است زیرا که مدیون هر چه ثروتمندتر باشد اعتبارش بیشتر است.^۱

^۱. شعرانی، ابو الحسن، تبصرة المتعلمین فی احکام الدین - ترجمه و شرح، جلد ۱، چاپ پنجم، تهران: منشورات اسلامیة، ۱۴۱۹ هـ ق، صص ۲۸۲-۲۸۱.

پول سیاه از فلز غیر طلا و نقره موزون نیست باآنکه اصل فلز موزون است بلکه مقصود به معامله نیست و ارزش آن به اعتبار حکایت از جزئی مسکوک طلا و نقره است مانند اسکناس و اگر کسی آن را قرض کرده باشد وقتی که اعتبار داشته و بخواهد ادای دین کند وقتی که از اعتبار افتاده است کافی نیست و دینش ادانشده و در این مسئله روایتی نیز وارد است و در حاشیه وافى گفته‌ایم.^۱

برحسب قرارداد مردم امضاء کننده اوراق بهادار مدیون دارندگان اوراق است و نمی‌تواند از تعهد ادای آن سرباز زند و نه می‌تواند کمتر از مقداری که تعهد کرده بپردازد و به عبارت دیگر اگر از بهای آن بکاهد مقداری از دین خود را ادا نکرده و اگر از اعتبار بیندازد همه دین را انکار نموده کاستن از بهای پول رایج نزد مردم نوعی مالیات است که دولت به مقتضای مصالح مملکتی از مردم می‌گیرد و در عرف مردم حق دارد اما افراد رعیت غیر دولت حق کم کردن بهای اسناد خویش را ندارند مگر ورقه که به خود قیمت دارد مثل تمبر باطله هرگاه دولت از بهای پول چیزی کم کند مالیات از دو گروه مردم گرفته است یکی آن‌که اسکناس دارد دیگر طلبکاران پول، اما دارندگان امتعه و اموال دیگر و صاحبان عین طلا و نقره چیزی نپرداخته‌اند.^۲

کسی که اسکناس سه تومانی قرض کند وقتی که معادل سی مثقال نقره بود و آن هنگام ادا کند که معادل دو مثقال نقره است کافی نیست مثل آن‌که از اعتبار افتاده باشد و غالب مردم نمی‌دانند چرا اوراق بهادار را معامله می‌کنند و پندارند خود مال است و علت اعتبار و قیمت آن نمی‌دانند چنانکه مسکوک طلا و نقره را به عدد معامله می‌کنند و وزن آن را نمی‌دانند باآنکه موزون است و شرح و توجیه آن را در اول کتاب بیع گفته شده است خاک زرگری

^۱. همان، ۲۸۲.

^۲. همان، صص ۲۸۳-۲۸۲.

از موارد است؛ یعنی اگر در موردی اثبات شود که شرط ارتكازی بر كفایت ارزش اسمی است، در خصوص آن مورد به كفایت ارزش اسمی حکم می‌کنیم.^۱

براساس مطالبی که ذکر گردید می‌توان گفت برای روشن شدن حکم وقف پول و اوراق بهادار ناچار باید به بررسی حکم وقف نقود شامل درهم و دینار پرداخت زیرا چیزی که در متون اولیه اسلامی مورد بحث بوده است همین است. بر این اساس نقود شامل پول‌های رایج امروزه نیز می‌شود. در خصوص وقف اوراق بهادار دو دیدگاه مطرح است. عده از فقها موافق اینگونه وقف و عده ای دیگر مخالف آن هستند. ادله مخالفان وقف اوراق بهادار عدم عینیت اوراق، منافات داشتن با مالیت وقف، عدم قابلیت تملک واقف، منافات داشتن با شرط تأیید، وجود اجماع در این مسئله و همچنین عدم قابلیت قبض موقوفه.

ادله موافقان نیز شامل عین بودن مال موقوفه، امکان بقای اصل با انتفاع از آن، قابلیت تملک اموال اعتباری، منافات نداشتن با شرط تأیید، بنای عقلا، صحت معاملات امضایی، قابلیت قبض اموال اعتباری و جلوگیری از سقوط ارزش اوقاف پولی.

در خصوص ماهیت پول بیشتر فقها معتقدند که هرگونه پول مانند دیگر کالاهای مثلی است که در بدهی‌ها و جبران خسارت‌ها مثل آن به عهده می‌آید.

^۱. همان.

نتیجه گیری

بسیاری از احکام اسلام در جهت برطرف نمودن نیاز اقتصادی و مالی اقشار ضعیف جامعه تشریع شده‌اند. اهدای قسمتی از اموال توانمندان و توزیع آن میان مستمندان تأثیر بسزایی در حل معضلات اجتماعی و اقتصادی دارد. عطوفت و رأفت اسلامی باعث ایجاد اتحاد و انسجام در جامعه می‌شود. وقف یکی از سنت‌های اسلام است که با همین هدف تشریع شده است. اما جهت جلوگیری از تصرف و استفاده نابجا اموال موقوفه نیازمند حفظ و نگهداری می‌باشند. لذا دین مبین اسلام احکامی برای کسانی که به این اموال دست‌اندازی کنند تشریع نموده که تحت عنوان احکام غصب می‌آید. این احکام شامل دو قسم حکم تکلیفی و حکم وضعی می‌باشد.

برای روشن شدن حکم وقف پول و اوراق بهادار ناچار باید به بررسی حکم وقف نقود شامل درهم و دینار پرداخت زیرا چیزی که در متون اولیه اسلامی مورد بحث بوده است همین است. بر این اساس نقود شامل پول‌های رایج امروزه نیز می‌شود. در خصوص وقف اوراق بهادار دو دیدگاه مطرح است. دیدگاه موافق و دیدگاه مخالف. عده از فقها موافق وقف اوراق بهادار و عده‌ای دیگر مخالف آن هستند. و هر کدام از دو گروه برای نظر خویش ادله‌ای ارائه داده‌اند. ادله مخالفان وقف اوراق بهادار عدم عینیت اوراق، منافات داشتن با مالیت وقف، عدم قابلیت تملک واقف، منافات داشتن با شرط تأبید، وجود اجماع در این مسئله و همچنین عدم قابلیت قبض موقوفه.

ادله موافقان نیز شامل عین بودن مال موقوفه، امکان بقای اصل با انتفاع از آن، قابلیت تملک اموال اعتباری، منافات نداشتن با شرط تأبید، بنای عقلا، صحت معاملات امضایی، قابلیت قبض اموال اعتباری و جلوگیری از سقوط ارزش اوقاف پولی.

در خصوص ماهیت پول بیشتر فقها معتقدند که هرگونه پول مانند دیگر کالاهای مثلی است که در بدهی‌ها و جبران خسارت‌ها مثل آن به عهده می‌آید.

فهرست منابع و مآخذ

*قرآن کریم

- ۱- جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، جلد ۱۸، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- ۲- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۳۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ه. ق.
- ۳- طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی (طاهری)، ۵ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ه. ق.
- ۴- مصطفی یزدی محقق داماد، قواعد فقه (محقق داماد)، جلد ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ ه. ق.
- ۵- خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل (امام خمینی)، چاپ اول، ۱۴۲۶ ه. ق.
- ۶- محمد ابراهیم جناتی شاهرودی، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۷- محمد علی بن ملا مهدی آرانى کاشانی، رساله فی جواز بیع الوقف، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۶ ه. ق.
- ۸- روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله - مترجم: علی اسلامی، جلد ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۲۱، ۱۴۲۵ ه. ق.
- ۹- محمد بن حسین بهاء الدین عاملی، العروة الوثقی، کتاب الاجاره، چاپ اول، قم: کتابفروشی بصیرتی، ۱۳۹۰ ه. ق.
- ۱۰- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، محقق/ مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی، جلد ۳۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ه. ق.

- ۱۱- نجم الدین جعفرین حسن حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، کتاب وقف، تهران: مکتبۃ الاسلامیه، ۱۳۷۷ ه. ق.
- ۱۲- علیرضا فیض، مصلحت وقف و پاره‌ای از شرط‌های آن، نشریه میراث جاویدان، شماره ۸، ۱۳۷۴.
- ۱۳- شعرانی، ابو الحسن، تبصره المتعلمین فی أحكام الدین - ترجمه و شرح، جلد ۱، چاپ پنجم، تهران: منشورات اسلامیة، ۱۴۱۹ ه. ق.
- ۱۴- سمیرا غلامی و قاسم نبی زاده کبریا، وقف پول، اوراق بهادار، و سهام شرکت‌های تجاری، اهواز: اولین کنگره ملی علوم انسانی و وقف، ۱۳۹۵.
- ۱۵- غلامرضا مصباحی مقدم و صابر شکری، وقف سهام از نظر فقهی و ارائه الگوی مالی، چشم انداز مدیریت بازرگانی، ۱۳۸۸، شماره ۲۱ و ۲۲.
- ۱۶- محمد حسن حائری و طیبہ عباسی، بررسی وقف پول، دانشکده علوم انسانی و دانشگاه، سمنان، ۱۳۸۶، شماره ۱۹.
- ۱۷- محمد مهدی هاشمی نسب، امکان سنجی افزایش منابع حاصل از اموال موقوفه با استفاده از دانش مالی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۷.
- ۱۸- روح اله بیگی، نقش وقف در توسعه تمدن اسلامی، چاپ اول، تهران: اسوه، ۱۳۹۱.
- ۱۹- علیرضا فیض، مصلحت وقف و پاره‌ای از شروط آن، نشریه میراث جاویدان، ۱۳۷۳، شماره ۸.
- ۲۰- مهدیه رضایی، محمد صدری و محمد رضا آقاجانی قناد، وقف پول، فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱۳۹۲، شماره ۲.
- ۲۱- محمد صدری و حکیمه سادات هندی زاده، وقف ارزش‌های مالی اعتباری، پژوهش‌های فقهی، ۱۳۹۳، شماره ۳.

۲۲- محمد بهرامی، پژوهش های فقهی - حقوقی در وقف سهام شرکت ها، وقف میراث جاویدان، ۱۳۷۹، شماره ۳۰.

۲۳- ناصر مکارم شیرازی، مجموعه استفتائات جدید، قم: قدس، بی تا.